

راز بقای اوپاما؛ ایستادگی در برابر وال استریت

● شراره امینی نژاد

از ۷۰۰ میلیارد دلار هزینه بر مردم و دولت تحمیل کرد تا اقتصاد نجات یابد و امیدها زنده شود، هر چند مخالفان و منتقدان نسبت به دوپینگ ۱۴۰۰ میلیارد دلاری وال استریت از جیب مالیات‌دهندگان سخت برآشفته هستند.

برنامه دولت اوپاما این بود که یک نهاد فدرال برای حفاظت از منافع مصرف‌کنندگان در برابر فعالیت‌های مؤسسه‌های مالی و بانک‌های بزرگ ایجاد کند و به گفته رئیس‌جمهور امریکا ضوابط و مقرراتی جدی باید تصویب شود تا در آینده خطر سقوط بانک‌ها و مؤسسه‌های بزرگ را به حداقل برساند. یک ماه پس از تصویب اصلاحات درمانی مد نظر رئیس‌جمهور در کمیته مالی سنا، نخستین موفقیت برای اوپاما رقم خورد تا دولت بتواند در یک برنامه ۸۲۹ میلیارد دلاری و با کاستن از بعضی هزینه‌های درمانی، افراد تحت پوشش بیمه‌های درمانی در امریکا را افزایش دهد. هدف اوپاما این است که حدود ۴۶ میلیون نفر فاقد بیمه درمانی را زیر پوشش قرار دهد؛ اقدامی که پیشتر بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق دموکرات، در پیشبرد آن ناکام مانده بود. اما اوپاما برای ایستادن در برابر ساکنان وال استریت به دست کم ۶۰ رأی در مجلس سنا نیاز دارد و مرگ تد کندی، سناتور دموکرات و جانشینی اسکات براون جمهوری‌خواه تر دیده‌ها را افزایش داد، زیرا از کرسی‌های در اختیار دموکرات‌ها در سنا یکی کم شد و به ۵۹ کرسی رسید، اما اوپاما امیدوار به آینده ماند و از اکثریت دموکرات مجلس سنا خواست در رأی‌گیری عجله نکنند و به اسکات براون، سناتور منتخب ایالات ماساچوست فرصت دهند کار خود را شروع کند. هر چند اسکات اعلام کرد: نباید پیروزی او را در انتخابات به معنی رد سیاست‌های باراک اوپاما در نخستین سال حضورش در کاخ سفید دانست و اوپاما هم در پاسخ اعلام کرد: «آن چیزی که اسکات براون را پیروز کرد، همان چیزی بود که مرا به کاخ سفید فرستاد».

فروردین ماه امسال، وال استریت به طرح اوپاما برای نجات بانک‌ها واکنش مثبت نشان داد و بازارهای بورس و اوراق بهادار امریکا (وال استریت) تکان خورد و افزایش قیمت سهام بانک‌ها را به ارمغان آورد. هدف طرح دولت این بود که صدها میلیارد دلار از دارایی‌های کم‌ارزش شناخته شده بانک‌ها خریداری شود و توسط بخش خصوصی دوباره جذب بازار شود. گایتنر، وزیر خزانه‌داری امریکا، امیدوار است با در نظر گرفتن سه برنامه مجزا بتواند مشوق‌های گسترده‌ای برای خرید آن اوراق بهادار به سرمایه‌گذاران خصوصی بدهد. البته این طرح که گفته می‌شود یک تریلیون دلار هزینه به دولت تحمیل می‌کند با تردید برخی کارشناسان همراه شده تا آنجا که پال گروگمن، اقتصاددان و برنده جایزه نوبل، طرح اوپاما برای کمک به بانک‌ها را خطرناک اعلام کرده است.

سال ۲۰۰۹ میلادی به پایان رسید، اما خبری از تصویب لایحه در سنا نشد تا اینکه آوریل ۲۰۱۰، برابر

تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی طرح اصلاح سیستم نظارتی فدرال بر نظام بانکی و وال استریت را تصویب کنند. اوپاما حتی برای اطمینان خاطر نمایندگان کنگره نسبت به واکنش مؤسسات مالی و بانک‌ها به عنوان نیروهای تعیین‌کننده در وال استریت اعلام کرد: تلاش می‌کند حمایت مدیران مؤسسه‌های مالی و بانک‌های بزرگ فعال در وال استریت را از سیستم نظارتی مورد نظرش جلب کند. منتقدان و البته مخالفان سرسخت رئیس‌جمهور دموکرات در حزب رقیب، یعنی جمهوری‌خواه، دائم این نگرانی را مطرح می‌کردند که وضع ضوابط و مقررات دست‌وپاگیر برای وال استریت می‌تواند بازارهای مالی و اقتصاد امریکا را با مشکلات تازه‌ای روبه‌رو کند. اما رئیس‌سیاه کاخ سفید به وعده مبنی بر تغییر می‌اندیشید و در برابر انتقادهای ایستاد و هشدار داد، هنوز برخی مدیران مؤسسه‌های مالی بزرگ از بحران اخیر درس عبرت نگرفته‌اند و همچنان اشتباهاتی را که به این بحران دامن زد، تکرار می‌کنند. او رو به سوی نمایندگان کنگره و شاید پشت به انتقادهای مطرح شده از سوی

اکنون میراث حکومت ۱۸ ساله آلن گرینسپن، رئیس سابق بانک مرکزی امریکا، بر بازگذاشتن هر چه بیشتر دست بانک‌ها و مؤسسات مالی به تاریخ می‌پیوندد و ساکنان وال استریت باید میراثی را این بار از بن برنانکی، جانشین گرینسپن تجربه کنند. راز بقای اوپاما در اقتصاد امریکا گویی ایستادن در برابر وال استریت شده است

ساکنان وال استریت اعلام کرد: «کارهای قدیمی که باعث بروز این بحران شد، قابل تحمل نیست. همین که بعضی‌ها در حال تکرار این کارها هستند، نیاز به اصلاحات فوری را ثابت می‌کند. تاریخ در این مورد نباید تکرار شود». منظور اوپاما کاملاً مشخص و هدف روشن بود: تاریخ مصرف پرداخت پاداش‌های کلان به مدیران ارشد مؤسسات مالی وال استریت به سرآمده است و این موضوع البته دردهای مردم گرفتار در بحران را هم تسکین می‌داد، هر چند دولت کنونی امریکا با عبور از سیاست‌های آزاد اقتصادی به کمک بانک‌ها و مؤسسات مالی ورشکسته شتافته بود، با این توضیح که ریشه کمک‌ها از مالیات‌های مردم آب می‌خورد. اجرای دو طرح نجات که هر کدام بیش

می‌گویند اقتصاد امریکا وقتی عطسه کند، اقتصاد جهان سرما می‌خورد، اما اکنون امریکایی‌ها چنین اعتقادی ندارند و در گفتار خود دیگر، ادعای بزرگی اقتصاد جهان را دنبال نمی‌کنند، تا آنجا که وزیر خزانه‌داری امریکا و چهره تأثیرگذار کابینه باراک اوپاما، رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا می‌گوید: اقتصاد امریکا «دیگر نمی‌تواند» عامل پیشرفت اقتصاد جهانی باشد. اما انگار نخستین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست تاریخ امریکا می‌داند که راز بقای او در کاخ سفید، ایستادگی در برابر خواسته‌های وال استریت است و این یعنی کنار نهادن دست کم بخشی از سیاست‌های مبتنی بر لیبرالیسم اقتصادی و آزادسازی بی‌قید و شرط بازارهای مالی، آن‌هم در روزگاری که اقتصاد جهان هنوز ناخوش است و سودای جهانی شدن اقتصاد و تجارت به سبب تشدید بحران اقتصادی در برخی کشورهای جهان، از جمله اروپا، چنگی به دل‌ها نمی‌زند و موجی از سیاست‌های حمایتی از اقتصادهای ملی نزد دولت‌ها اولویت یافته است. اما گویی دموکرات‌ها و در رأس آنها، باراک اوپاما به این نتیجه رسیده‌اند که برای حفظ اقتدار خود در کنگره و حتی سنا و در زمان دورتر پیروزی دوباره در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده باید در برابر زیاده‌خواهی‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی ایستادگی کنند و این یعنی به چالش کشاندن قدرت وال استریت. بی‌گمان در این راه دشوار رئیس‌جمهور امریکا دل به حمایت‌های کنگره و سنا و طراحی‌های دو مغز متفکر اقتصادی تیم خود، یعنی تیموتی گایتنر، وزیر خزانه‌داری و بن برنانکه، رئیس بانک مرکزی، بسته است.

غلبه بر وال استریت؛ یک گام به جلو

اواخر تابستان سال گذشته اوپاما برنامه خود را برای غلبه بر قدرت بلامناع غول‌های وال استریت آشکار کرد و با تأکید بر ضرورت نظارت جدی بر نحوه عملکرد بانک‌ها و مؤسسات مالی گفت: برای بهبود وضعیت اقتصادی امریکا راهی طولانی باید پیموده شود. این سخن رئیس‌جمهور امریکا تنها سه روز پس از سالگرد حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و البته در نخستین سالگرد آغاز بحران در نظام مالی امریکا و جهان بود. موضع‌گیری رسمی او چون زلزله‌ای بود بر بیش از ۷۰ سال آزادی قدرت وال استریت. سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی بود که بانک سرمایه‌گذار لیمن برادرز، یکی از مؤسسه‌های بزرگ مالی فعال در بازارهای بورس امریکا (وال استریت) در نیویورک اعلان ورشکستگی کرد و پس از آن موجی از ورشکستگی بانک‌ها، نه تنها سراسر امریکا، که اروپا را فراگرفت و بحرانی عمیق، اقتصاد جهان را اسیر خود کرد تا آنجا که بیم آن می‌رفت نظام بانکی - مالی امریکا به ورطه سقوط افتد.

سال نخست ریاست بر کاخ سفید برای اوپاما، دشوارتر از آنچه بود که تصورش را می‌کرد و نظرسنجی‌ها نشان از کاهش زود هنگام محبوبیت او داشت. عزم خود را جزم کرد و در نطقی از نمایندگان کنگره خواست



با اردیبهشت ماه امسال، اوباما آشکارا به وال استریت تاخت و گفت: دیگر نباید به مؤسسه‌های مالی که مانند راهزنان عمل می‌کنند، اجازه فعالیت داده شود. این شدیدترین لحن اوباما علیه مقاومت‌ها و مخالفت‌ها در برابر طرح تشدید نظارت بر مؤسسات مالی و بانک‌ها و تغییر ساختار آنها بود. وی همچنین اظهار کرد: اصلاحات به نفع بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی است و در صورت عدم تغییر نظام بانکی در آمریکا، بحران مالی سال گذشته دوباره تکرار خواهد شد و بانکداران و لابی‌گران نباید علیه آن تلاش کنند. مجلس سنای آمریکا هفته آینده لایحه دولت برای افزایش سازوکار نظارتی بر بخش مالی و بانکی را بررسی می‌کند. البته دسامبر ۲۰۰۹ نمایندگان کنگره با تصویب لایحه مشابهی بر تأسیس یک سازمان نظارتی زیر نظر بانک مرکزی آمریکا برای دفاع از حقوق مشتریان بانک‌ها تأکید کردند.

قرار است سازمان یادشده فعالیت بانک‌ها را در رابطه با اعطای وام به مشتریان تنظیم کند، هر چند مخالفان یعنی بخش عمده‌ای از بانکداران و مدیران مؤسسه‌های مالی نگران می‌گویند: برنامه رئیس‌جمهور در بازار آزاد محدودیت ایجاد می‌کند، اوباما خطاب به آنها می‌گوید: «بازار آزاد هیچ‌گاه قرار نبود به شما مجوز دهد هر کاری می‌توانید انجام دهید و هر قدر می‌خواهید درآمد کسب کنید، بعضی در وال استریت فراموش کرده‌اند که به ازای هر یک دلاری که معامله می‌شود، یک خانواده سعی دارد برای خود خانه بخرد، هزینه تحصیل بدهد، یک کسب‌وکار راه بیندازد یا برای دوران بازنشستگی پس‌انداز کند».

دوستدار ثروتمندان وال استریت و دشمن مردم
وضعیت به گونه‌ای است که مخالفت با طرح دولت

برای نظارت بر مؤسسه‌های مالی و بانک‌ها از سوی جمهوری‌خواهان باعث این تلقی در نظر مردم آمریکا خواهد شد که آنها دوستدار ثروتمندان وال استریت و دشمن مردم عادی هستند و همین تلقی کنار آمدن جمهوری‌خواهان با دموکرات‌ها را راحت‌تر کرد. آیا طرح اوباما به برتری اقتصادی آمریکا می‌انجامد؟ تیم گایتنر، وزیر خزانه‌داری دولت اوباما، می‌گوید: جهان دیگر نمی‌تواند به اقتصاد این کشور تکیه کند و رونق اقتصادی دنیا مشروط به رشد سایر اقتصادهای بزرگ جهان است. به گفته او سیاست‌های مالی آمریکا و اروپا بیش از آنکه با یکدیگر اختلاف داشته باشند، مشابهت دارند و اروپا و آمریکا با توجه به ضعف‌ها و قوت‌هایشان ممکن است برای رسیدن به هدفی مشترک از مسیرهای مختلف و با سرعت‌های گوناگون حرکت کنند.

وقتی ژوئن ۲۰۱۰ میلادی، برابر با تیرماه امسال، اعضای مجلس نمایندگان آمریکا بر سر جزئیات بزرگ‌ترین لایحه اصلاحات مالی به توافق دست یافتند، وال استریت فهمید روزگاری دشوار در پیش دارد، چرا که به گفته کارشناسان، اصلاحات پیشنهادی دولت از زمان رکود اقتصادی بزرگ بعد از جنگ جهانی اول تا کنون، بی‌سابقه بوده است. راه دشواری بود و قانونگذاران کنگره ۱۹ ساعت تمام برای تطبیق دو نسخه جداگانه که از سوی دو مجلس سنا و کنگره آماده شده بود، وقت گذاشتند تا بلکه محدودیت‌های سختگیرانه بر بانک‌ها اعمال شود و اختیارات آنها را برای سفته‌بازی در بازارهای مالی کاهش دهد. اوباما اما خرسندی خود را پنهان نکرد و به انتظار تصمیم سنا نشست تا اینکه روز جمعه ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۰، برابر با ۲۵ تیر ۱۳۸۹، اعلام شد که سنای آمریکا لایحه اصلاحات مالی گسترده را با ۶۰ رأی مثبت در برابر ۳۹ رأی منفی تصویب کرد تا کابوس آزادی بی‌قید و

شرط و تعهدناپذیری ساکنان وال استریت بر مردم عادی آمریکا اندکی فروکش کند. بن برنانکی، رئیس بانک مرکزی آمریکا، در واکنش نسبت به تصویب این لایحه که آزادی عمل بانک‌ها و مؤسسات مالی را محدود می‌کند، اعلام کرد: قانون اصلاحات مالی گام مثبتی برای پیشگیری از وقوع مجدد بحران مالی اخیر است. و تیم گایتنر، وزیر خزانه‌داری آمریکا، هم گفت بر اساس این قانون بزرگ‌ترین اصلاحات از هنگام بحران اقتصادی عظیم دهه ۱۹۳۰ به اجرا درخواهد آمد. قانون جدید نظم ۸۰ ساله وال استریت را بر هم می‌زند و به دولت اجازه می‌دهد با ایجاد یک سازمان جدید فدرال، بر روند ارائه وام به خریداران نظارت کند و مقررات مالی جدیدی را تنظیم کند و اداره‌ای برای حمایت از مصرف‌کنندگان به وجود آورد تا با شرکت‌های اعتباری و وام‌دهندگان که مشتریان خود را اذیت می‌کنند، برخورد قانونی انجام دهد، از سوی دیگر، این قانون بانک‌های بزرگ آمریکا را موظف می‌کند در مقابل وام‌هایی که بازپرداخت نمی‌شود، ذخایر خود را نزد بانک مرکزی افزایش دهند، و اوباما اعلام کرده است این الزام بانک‌ها در مدت پنج سال اجرا خواهد شد. اکنون میراث حکومت ۱۸ ساله آلن گرینسپن، رئیس سابق بانک مرکزی آمریکا، بر بازگذاشتن هر چه بیشتر دست بانک‌ها و مؤسسات مالی به تاریخ می‌پیوندد و ساکنان وال استریت باید میراثی را این بار از بن برنانکی، جانشین گرینسپن تجربه کنند. راز بقای اوباما در اقتصاد آمریکا گویی ایستادن در برابر وال استریت شده است. آیا این کفایت می‌کند؟ ■